Journal of
Comparative Criminal Jurisprudence
www.jccj.ir

Volume 6, Issue 4, 2026

The State's Independent Obligation to Compensate for Damages Arising from Crime in Iranian Law: A Jurisprudential and Legislative Feasibility Study

Seyedeh Kowsar Jazayeri [1], Seyed Abbas Jazayeri [2]*

1. M.A Student in Private Law, Mash.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law, Shk.C., Islamic Azad University, Shahrekord, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: ***Original Research***
Pages: ***35-43***

Corresponding Author's Info
ORCID: *0000-0002-7130-8753*
TELL: *+989129418101*
Email: *4679376716@iau.ac.ir*

Article history:
Received: *14 Sep 2026*
Revised: *03 Oct 2026*
Accepted: *10 Nov 2026*
Published online: *22 Dec 2026*

Keywords:
Crime Victim, Compensation, Independent State Duty, Bayt Al-Mal, Legal Maxims, Unification Judgment No. 790.

ABSTRACT

Compensation for crime-related harm is ordinarily owed by the offender or another person legally liable. Yet an unidentified offender, insolvency, or ineffective enforcement may leave some of the victim's loss uncompensated. This article asks whether an independent public duty to compensate certain losses can be justified beyond state tort liability and statutory cases of payment from the public treasury. Using doctrinal analysis and a normative approach, it examines selected Imami legal maxims, Iranian legislation, and Supreme Court Unification Judgment No. 790. It concludes that the maxims and the state's public role may support a policy rationale, but do not by themselves create a general, judicially enforceable monetary entitlement against the state. Iranian law provides for public payment in defined circumstances, including specified blood-money cases and compensation for unlawful or unjustified detention; these provisions cannot automatically be extended to every crime-related loss. The article therefore argues for considering legislation establishing a limited, transparent, and reviewable compensation scheme, with explicit eligibility criteria, covered losses, decision-making procedures, funding, recovery rights, and safeguards against double recovery.

This is an open access article under the CC BY license. © 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Jazayeri, S. K & Jazayeri, S. A (2026). "The State's Independent Obligation to Compensate for Damages Arising from Crime in Iranian Law: A Jurisprudential and Legislative Feasibility Study". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 6(4): 35-43.

فصلنامه فقه جزای تطبیقی
www.jccj.ir

دوره ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۵

تعهد مستقل دولت به جبران خسارات ناشی از جرم در حقوق ایران: امکان‌سنجی فقهی و تقنینی

سیده کوثر جزایری [۱]، سید عباس جزایری [۳*]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسؤول)

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۵-۴۳

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۷۱۳۰-۸۷۵۳

تلفن: ۹۸۹۱۲۹۴۱۸۱۰۱+

ایمیل: 4679376716@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۶/۲۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۷/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۸/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

بزه‌دیده، جبران خسارت، تعهد مستقل دولت، بیت‌المال، لاضرر، رأی وحدت رویه ۷۹۰.

چکیده

جبران خسارت ناشی از جرم، در اصل بر عهده مرتکب یا شخصی است که به موجب قانون مسؤول شناخته می‌شود؛ با این حال، شناسایی‌نشدن مرتکب، ناتوانی مالی او یا عدم امکان وصول مؤثر محکوم‌به ممکن است بخشی از زیان بزه‌دیده را جبران‌نشده باقی بگذارد. مسأله این پژوهش آن است که آیا می‌توان، افزون بر مسؤولیت مدنی دولت و موارد منصوص پرداخت از بیت‌المال، مبنایی برای شناسایی تعهدی عمومی و مستقل در جبران برخی از این خسارات ارائه کرد. مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد هنجاری، ادله فقهی، مقررات منتخب حقوق ایران و رأی وحدت رویه شماره ۷۹۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور را بررسی می‌کند. یافته اصلی آن است که قواعد فقهی مورد بحث و نقش عمومی دولت می‌توانند در توجیه سیاست حمایتی و طراحی قانون نقش داشته باشند، اما به‌تنهایی حق مالی عام و قابل مطالبه‌ای علیه دولت ایجاد نمی‌کنند. همچنین، مقررات کنونی ایران در قلمروهایی معین مداخله مالی عمومی را پذیرفته‌اند؛ از جمله پرداخت دیه در فروض خاص و جبران خسارت ایام بازداشت، ولی این احکام را نمی‌توان بدون نص یا استدلال مستقل به همه خسارات ناشی از جرم تسری داد. نتیجه مقاله، دفاع از امکان قانون‌گذاری برای نظامی محدود، شفاف و قابل نظارت است که نوع خسارات، شرایط استحقاق، مرجع تصمیم‌گیر، سقف پرداخت، منابع مالی، حق رجوع و منع جبران مضاعف را صریحا تعیین کند.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی مقاله حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

۱ـ بیان مسأله

یکی از مسائل مهم در سیاست جنایی و حقوق بزه‌دیدگان، وضعیت اشخاصی است که در نتیجه وقوع جرم، خسارتی قابل جبران متحمل شده‌اند، اما به دلایلی مانند ناشناس ماندن مرتکب، ناتوانی مالی او یا عدم امکان وصول مؤثر محکوم‌به، به جبران کامل زیان خود دست نمی‌یابند. در چنین وضعیتی، مسؤولیت قانونی مرتکب ممکن است همچنان برقرار باشد، ولی بقای این مسؤولیت لزوما به معنای جبران واقعی خسارت نیست. این فاصله میان وجود حق و امکان عملی استیفای آن، پرسشی فراتر از قواعد متعارف مسؤولیت مدنی ایجاد می‌کند. مسأله آن است که آیا نظام حقوقی باید در همه شرایط، خطر عدم وصول خسارت را بر عهده بزه‌دیده باقی بگذارد یا می‌تواند در موارد معین، سازوکاری مکمل برای جبران بخشی از زیان پیش‌بینی کند. طرح این پرسش به معنای انتقال خودکار مسؤولیت مرتکب به دولت نیست. همچنین، نمی‌توان صرفا به دلیل عمومی بودن جرم یا نقش دولت در تعقیب و مجازات مرتکبان، نتیجه گرفت که دولت مسؤول مالی تمام پیامدهای ناشی از جرم است.

در حقوق ایران، مقررات مختلفی امکان جبران خسارت با مداخله دولت یا پرداخت از بیت‌المال را در وضعیت‌های خاص پذیرفته‌اند؛ با این حال، این مقررات از حیث مبنا، موضوع و شرایط استحقاق متفاوت‌اند و نمی‌توان آنها را بدون تحلیل مستقل، دلیل وجود تعهدی عام برای جبران تمام خسارات جبران‌نشده بزه‌دیدگان دانست. مسأله اصلی پژوهش، بررسی امکان شناسایی تعهدی مستقل برای دولت است؛ وظیفه‌ای که نه بر انتساب تقصیر در وقوع جرم به دولت مبتنی باشد و نه صرفا از توسعه تفسیری موارد خاص پرداخت از بیت‌المال حاصل شود.

۲- پرسش‌ها و فرضیه

پرسش اصلی این است که آیا می‌توان وظیفه دولت در جبران خسارات جبران‌نشده بزه‌دیدگان را، مستقل از مسؤولیت مدنی مبتنی بر تقصیر دولت و موارد خاص پرداخت از بیت‌المال، بر مبنایی حقوقی و فقهی تبیین کرد و برای تحقق آن الگویی قانونی ارائه داد؟ پرسش‌های فرعی به ظرفیت‌های فقه امامیه، جایگاه مقررات موجود ایران، شرایط استحقاق و شیوه تنظیم رابطه میان پرداخت دولتی و مسؤولیت مرتکب مربوط‌اند. فرضیه آن است که شناسایی تعهدی مستقل برای دولت در جبران برخی خسارات جبران‌نشده از نظر نظری قابل دفاع است؛ مشروط بر آنکه مبنای آن به‌صورت مستقل تبیین شود و از عمومی بودن جرم یا احکام خاص بیت‌المال، تعهدی عام و نامحدود استنتاج نگردد. تبدیل این مبنای نظری به حق فردی قابل مطالبه، مستلزم تصریح قانونی و تعیین شرایط روشن استحقاق خواهد بود.

۳- روش و حدود پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعه حقوقی اسنادی و با روش توصیفی–تحلیلی و رویکرد هنجاری است. منابع اولیه آن قوانین و اصول قانون اساسی، متن کامل رأی وحدت رویه شماره ۷۹۰ و متون فقهی مشخص‌شده در فهرست منابع است؛ منابع ثانویه برای صورت‌بندی اختلاف‌ها و پیشینه پژوهش به‌کار می‌روند. معیار تحلیل، تفکیک حکم لازم‌الاجرا از استنباط نویسنده و پیشنهاد تقنینی است .مقاله مطالعه تطبیقی نظام‌های خارجی یا ارزیابی تجربی هزینه‌ها را ادعا نمی‌کند؛ از این‌رو، هر نتیجه درباره طراحی نظام حمایتی، پیشنهادی هنجاری است و نه توصیف حقوق جاری.

۴- پیشینه پژوهش و جایگاه نظری مسأله

۴-۱- مطالعات جبران دولتی خسارت بزه‌دیده

در ادبیات خارجی، مایرز[1] (۲۰۱۴) تحول و رابطه جبران از سوی مرتکب و دولت را بررسی کرده است. در سطح بین‌المللی، اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۴۰/۳۴ (۱۹۸۵) در بندهای ۱۲ و ۱۳ از جبران دولتی در شرایط معین حمایت می‌کند؛ این سند در تحلیل سیاست حمایتی مهم است، اما به‌خودی‌خود معاهده الزام‌آور یا دلیل وجود حق نامحدود علیه دولت ایران نیست (United Nations General Assembly, 1985: paras. 12–13).

[1]- Miers

در ادبیات فارسی، حاجی‌ده‌آبادی در مقاله «از جبران خسارت بزه‌دیده توسط بزهکار تا جبران خسارت توسط دولت» و کتاب «جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی» مبانی و ضرورت جبران دولتی را بررسی کرده است؛ بنابراین، ادعای نوآوری این مقاله نه اصل موضوع، بلکه تمرکز بر تفکیک مبنای هنجاری، حق قابل مطالبه و سازوکار اجرایی است (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۸و ۱۳۹۰).

۲-۴- تمایز رویکردها و نوآوری احتمالی

وجه تمایز مقاله، طرح مسأله جبران دولتی به‌عنوان موضوعی کاملا بی‌سابقه نیست؛ بلکه ارزیابی زنجیره استدلالی لازم برای گذار از مبنای اخلاقی یا فقهی به تعهد قانونی است. برای این منظور، چهار مفهوم از هم تفکیک می‌شوند:

۱. حمایت اجتماعی یا مساعدت؛

۲. مسؤولیت مدنی دولت ناشی از رفتار قابل انتساب؛

۳. پرداخت از بیت‌المال در فروض منصوص؛

۴. تعهد مستقل نیازمند قانون‌گذاری.

نوآوری ادعایی مقاله محدود به این چارچوب تحلیلی و تطبیق آن بر حقوق ایران است و باید در برابر آثار پیشین حاجی ده‌آبادی سنجیده شود.

۵- مبانی نظری تعهد مستقل دولت

۵-۱- مسؤولیت مرتکب و تعهد عمومی

نقطه آغاز تحلیل، تفکیک مسؤولیت مرتکب از تعهد احتمالی دولت است. شناسایی تعهد عمومی نباید به معنای نفی اصل مسؤولیت مرتکب یا انتقال خودکار آن به منابع عمومی باشد. با این حال، وجود مسؤولیت قانونی مرتکب تضمین نمی‌کند که بزه‌دیده عملا خسارت خود را دریافت کند. ناشناس ماندن مرتکب، فقدان اموال کافی یا عدم امکان اجرای مؤثر حکم می‌تواند فاصله‌ای میان استحقاق قانونی و جبران واقعی ایجاد کند. این وضعیت، بررسی امکان طراحی سازوکاری عمومی و مکمل را ضروری می‌سازد؛ با این حال، ناتوانی مرتکب به تنهایی منشأ تعهد مالی دولت نیست؛ چنین تعهدی باید مبنای هنجاری مستقل داشته باشد.

۵-۲- نقش عمومی دولت و حدود دلالت آن

دولت در چارچوب نظام حقوقی، در قانون‌گذاری کیفری، تعقیب عمومی، رسیدگی قضایی، اجرای مجازات و پیشگیری از جرم نقش دارد. این نقش، جرم را از حیث واکنش حقوقی به مسأله‌ای فراتر از اختلاف خصوصی تبدیل می‌کند؛ اما عمومی بودن واکنش به جرم را نباید با مسؤولیت مالی دولت در قبال تمام پیامدهای آن یکسان دانست. نقش عمومی دولت نقطه آغاز تحلیل است، نه دلیل نهایی تعهد مالی.

۵-۳- عدالت توزیعی و بارهای اجتماعی جرم

یکی از مبانی قابل بررسی، توزیع منصفانه بارهای اجتماعی ناشی از جرم است. در مواردی که خسارتی قابل جبران وارد شده اما امکان وصول آن وجود ندارد، بار زیان عملا بر عهده بزه‌دیده باقی می‌ماند. پرسش آن است که آیا در مورد برخی خسارات شدید و پایدار، تحمیل تمام بار زیان بر شخص بزه‌دیده تنها راه‌حل موجه است یا قانون‌گذار می‌تواند بخشی از این بار را از طریق سازوکاری عمومی توزیع کند. عدالت توزیعی به‌تنهایی مجوز انتقال هر زیان خصوصی به منابع عمومی نیست. نوع و شدت خسارت، امکان جبران از مسؤول اصلی، آثار اجتماعی زیان و ظرفیت اجرایی نظام باید بررسی شود.

۵-۴- تفاوت با مسؤولیت مدنی و پرداخت از بیت‌المال

مسؤولیت مدنی دولت و تعهد مستقل پیشنهادی، از حیث مبنا و شرایط تحقق متفاوت‌اند. در مسؤولیت مدنی، شرایط انتساب مسؤولیت بر اساس قواعد قانونی بررسی می‌شود؛ درحالی‌که تعهد مستقل می‌تواند در وضعیتی مطرح شود که تقصیر یا رفتار زیان‌بار مستقیمی به دولت منتسب نیست، اما قانون‌گذار به دلایل هنجاری، پرداخت خسارات معینی را بر عهده دولت قرار می‌دهد. همچنین، احکام خاص پرداخت از بیت‌المال، نمونه هایی از مداخله عمومی‌اند، اما تعمیم آنها به تعهدی عام نیازمند استدلال مستقل است.

۵-۵- مبنای هنجاری، حق قابل مطالبه و سازوکار اجرا

باید میان سه سطح تفکیک کرد: نخست، مبنای هنجاری وظیفه؛ دوم، حق فردی قابل مطالبه و شرایط استحقاق؛ سوم، سازوکار اجرا، شامل مرجع رسیدگی، معیار اثبات، روش ارزیابی خسارت، منابع مالی و آثار پرداخت .اثبات موجه بودن یک تعهد

عمومی، به‌تنهایی تمام شرایط حق فردی را تعیین نمی‌کند؛ همان‌گونه که طراحی سازوکار اجرایی نمی‌تواند جای خالی مبنای هنجاری را پر کند.

۶- ظرفیت‌های فقه امامیه

۶-۱- ضمان خصوصی و تعهد عمومی

تحلیل فقهی مستلزم تفکیک میان ضمان شخصی و مسؤولیت عمومی است. اثبات ضمان مرتکب، به‌خودی‌خود مسؤولیت دولت را اثبات نمی‌کند؛ همان‌گونه که پذیرش پرداخت از منابع عمومی در یک مورد خاص، لزوما ضمان عام برای دولت ایجاد نمی‌کند. باید روشن شود که هر قاعده مستقیما حکم به ضمان می‌دهد، اختیارات حکومتی را توضیح می‌دهد یا صرفا در ارزیابی سیاست تقنینی نقش دارد.

۶-۲- قاعده لاضرر

قاعده لاضرر، مستند به روایت «لا ضرر و لا ضرار»، در تحلیل محدودیت احکام یا ترتیبات زیان‌بار و نیز در بحث حمایت از زیان‌دیده قابل طرح است .با این حال، در تقریر مشهور اصولی، قاعده به‌تنهایی ناظر به نفی حکم ضرری است و از آن، بدون ضمیمه‌کردن دلیل مستقل، نمی‌توان شخص متعهد، منبع پرداخت عمومی، دامنه خسارت و معیار استحقاق را استخراج کرد. از این‌رو، این قاعده در مقاله حاضر مؤید ضرورت بررسی حمایت است، نه دلیل کامل ایجاد دین بر ذمه دولت (محقق داماد، بی‌تا: ۱۵۰–۱۳۴؛ شیخ انصاری، بی‌تا: ۲/ ۵۳۵–۵۳۴).

۶-۳- الحاکم ولی الممتنع

قاعده «الحاکم ولی الممتنع» در فرض وجود حق یا تکلیف ثابت و امتناع مکلف، مبنایی برای مداخله حاکم به‌منظور اجرای همان حق دانسته شده است؛ کاربرد شناخته‌شده آن، از جمله در برخی دعاوی خانوادگی، بر احراز حق و امتناع مبتنی است (نقیبی، ۱۳۹۳: ۱۹۰–۱۶۹)؛ بنابراین، این قاعده به‌خودی‌خود جایگزینی دولت به‌جای مرتکب ناشناس یا معسر را اثبات نمی‌کند: «اجرای حق موجود» با «ایجاد تعهد مالی جدید برای بیت‌المال» دو مسأله جداگانه‌اند و دومی به دلیل یا نص مستقل نیاز دارد.

۶-۴- من له الغنم فعلیه الغرم

عبارت «من له الغنم فعلیه الغرم» در ادبیات حقوقی برای بیان پیوند احتمالی میان انتفاع و تحمل هزینه به کار رفته است؛ با این حال، نباید بدون بررسی مأخذ و سیاق، آن را حدیث معتبر یا قاعده‌ای عام با آثار یکسان در همه ابواب فقه معرفی کرد. پژوهش علوی قزوینی و منصوریان‌زاده (۱۳۹۳)، قلمرو و کاربرد حقوقی این عبارت را بررسی کرده است. در موضوع حاضر، بهره‌مندی جامعه از نظم عمومی یا نقش دولت در عدالت کیفری، به‌تنهایی برای انتقال هزینه همه جرائم به بودجه عمومی کافی نیست؛ این عبارت حداکثر می‌تواند در کنار مبانی دیگر، مؤید بحث توزیع بارهای اجتماعی باشد.

۶-۵- بیت‌المال، مصلحت و عقلانیت تقنینی

احکام خاص بیت‌المال نشان می‌دهند که در فروض معین، مداخله منابع عمومی برای جبران زیان پذیرفته شده است؛ اما وجه مشترک این فروض و امکان تعمیم آنها باید جداگانه اثبات شود. همچنین، مصلحت و عقلانیت تقنینی در ارزیابی و طراحی نظام جبران مؤثرند، ولی به‌تنهایی جایگزین مبنای معتبر حقوقی برای ایجاد تعهد مالی عمومی نیستند. بر این اساس، ظرفیت‌های فقهی باید در پیوند با مبانی حقوق عمومی و الزامات قانون‌گذاری، و با رعایت حدود دلالت هر مستند، ارزیابی شوند.

۷- جایگاه حقوق موضوعه ایران

۷-۱- تفکیک مقررات موجود از نظریه پیشنهادی

حقوق ایران سه مسیر متمایز را باید از هم جدا کرد: مسؤولیت مدنی ناشی از رفتار قابل انتساب به دولت؛ جبران خسارت بازداشت در شرایط مواد ۲۵۵ تا ۲۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری؛ و موارد خاص پرداخت دیه از بیت‌المال در قانون مجازات اسلامی. هیچ‌یک از این مسیرها به‌تنهایی معادل نظام عام جبران تمام خسارات ناشی از جرم نیست (قانون مسؤولیت مدنی، ۱۳۳۹: ماده ۱۱؛ قانون اساسی، ۱۳۵۸: اصل ۱۷۱؛ قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲: مواد ۲۶۰–۲۵۵).

۷-۲- ماده ۱۱ قانون مسؤولیت مدنی و اصل ۱۷۱ قانون اساسی

ماده ۱۱ قانون مسؤولیت مدنی، مسؤولیت کارمندان و مؤسسات دولتی را با تفکیک میان خسارت ناشی از اعمال کارکنان و خسارت ناشی از نقص وسایل و تشکیلات اداری تنظیم می‌کند؛ این حکم، قاعده‌ای درباره انتساب و شرایط مسؤولیت مدنی است، نه تضمین عمومی خسارت ناشی از هر جرم. اصل ۱۷۱ قانون اساسی نیز به زیان ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی و نحوه جبران آن می‌پردازد .این دو مبنا باید از پرداخت حمایتی مستقل که لزوما مبتنی بر تقصیر دولت نیست، جدا نگه داشته شوند.

۷-۳- مواد ۲۵۵ تا ۲۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری

مواد ۲۵۵ تا ۲۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری سازوکار ویژه جبران خسارت اشخاصی را مقرر می‌کنند که بازداشت شده و سپس در شرایط قانونی مستحق جبران شناخته می‌شوند. موضوع این مواد، خسارت ایام بازداشت است؛ نه جبران عمومی زیان واردشده از سوی مرتکب خصوصی. استفاده از این سازوکار به‌عنوان الگوی نهادی ممکن است، اما تعمیم موضوعی آن به همه بزه‌دیدگان فاقد مبنای قانونی مستقل است.

۷-۴- موارد خاص دیه از بیت‌المال

قانون مجازات اسلامی پرداخت دیه از بیت‌المال را در فروض خاص مقرر کرده است؛ از جمله ماده ۴۷۰ درباره موارد مربوط به عاقله، ماده ۴۷۱ در فرض مقرر قانونی مربوط به مرتکب متعلق به اقلیت دینی شناخته‌شده، ماده ۴۷۳ درباره صدمه یا فوت ناشی از اقدام قانونی مأمور در شرایط مقرر، مواد ۴۷۴ و ۴۷۵ درباره جنایات شبه‌عمدی یا خطای محض در فرض عدم دسترسی به مرتکب به علت مرگ یا فرار، و ماده ۴۸۷ در فرض خاص قتل در ازدحام یا مواردی که قاتل شناخته نمی‌شود. باید از خلط این فروض پرهیز کرد و هر ماده را تنها در قلمرو خود به کار برد. مهم‌تر آنکه رأی وحدت رویه شماره ۷۹۰ مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۰، با استناد به مواد ۴۳۵، ۴۷۴، ۴۷۵ و ۴۸۷، حکم کرده است که در مواردی که مرتکب صدمه عمدی مادون قتل شناسایی نشده، دیه بر عهده بیت‌المال است؛ رأی در همین قلمرو برای مراجع مقرر در ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری لازم‌الاتباع است .این رأی برای اثبات وجود یک مورد مهم مداخله عمومی قابل استناد است، اما نه حق عام جبران همه انواع خسارت (هیئت عمومی دیوان عالی کشور، رأی وحدت رویه ۷۹۰، ۱۳۹۹/۴/۱۰).

۷-۵- دلالت رأی وحدت رویه شماره ۷۹۰

رأی وحدت رویه ۷۹۰ باید از حیث دلالت محدود و دقیق خوانده شود. موضوع اختلاف، شمول پرداخت دیه از بیت‌المال بر صدمات عمدی مادون قتل در فرض ناشناس‌بودن مرتکب بود؛ هیئت عمومی با تفسیر مواد یادشده، این فرض را مشمول پرداخت دانست. رأی نه درباره خساراتی مانند هزینه درمان مازاد بر دیه، زیان اقتصادی یا خسارت معنوی حکم عام صادر کرده و نه نظام جامع جبران دولتی را به رسمیت شناخته است. بنابراین، استفاده درست از رأی، نشان‌دادن ظرفیت توسعه حمایت در قلمرو نصوص دیه است؛ تعمیم آن به خسارات دیگر مستلزم مبنای قانونی و استدلال جداگانه است.

۷-۶- بقای مسؤولیت مرتکب و منع جبران مضاعف

پرداخت از منابع عمومی نباید بدون نص قانونی موجب سقوط مسؤولیت مرتکب شود. قانون باید روشن کند که پرداخت عمومی چه اثری بر حق باقی‌مانده بزه‌دیده دارد و آیا دولت، در حدود نص، حق رجوع به مرتکب خواهد داشت. از دریافت مضاعف برای یک خسارت واحد باید جلوگیری شود، بی‌آنکه حق بزه‌دیده نسبت به بخش جبران‌نشده از بین برود.

۷-۷- جمع‌بندی

حقوق ایران مداخله مالی عمومی را در قلمروهای مشخص پذیرفته است. این نمونه‌ها برای طراحی سیاست حمایتی و نشان‌دادن امکان نهادی پرداخت عمومی اهمیت دارند، اما از نظر استدلال حقوقی، قیاس از حکم خاص دیه یا جبران بازداشت به تعهدی عام برای جبران همه خسارات، بدون نص یا دلیل مستقل، موجه نیست.

۸- حدود استحقاق و شرایط تحقق تعهد مستقل

۸-۱- وقوع واقعه و احراز خسارت

قانون باید نوع واقعه مشمول، معیار اثبات و رابطه میان واقعه و خسارت را مشخص کند. وابسته کردن مطلق حمایت به محکومیت کیفری قطعی در همه موارد ممکن است برخی بزه‌دیدگان را از حمایت محروم کند؛ اما صرف ادعای وقوع جرم نیز برای ایجاد تعهد مالی عمومی کافی نیست. رسیدگی جبرانی باید معیارهای مستقل و روشن داشته باشد و با احکام قطعی کیفری هماهنگ باشد.

۸-۲- جبران‌نشدن خسارت

جبران‌نشدن ممکن است ناشی از ناشناس ماندن مرتکب، اعسار، عدم دسترسی به اموال یا عدم وصول مؤثر محکوم‌به باشد. این فروض از حیث حقوقی یکسان نیستند. قانون باید تعیین کند در کدام وضعیت‌ها مداخله عمومی مجاز یا الزامی است و آیا در خسارات شدید امکان پرداخت پیش از پایان تمام اقدامات اجرایی وجود دارد.

۸-۳- قلمرو خسارات

صدمات شدید بدنی، هزینه‌های ضروری درمان، فقدان درآمد ناشی از آسیب و خسارات مرتبط با فوت می‌توانند در تعیین اولویت‌های قانونی مورد توجه قرار گیرند .شمول خسارات مالی و غیرمادی باید با تصریح قانونی و ارزیابی آثار اجرایی مشخص شود .اصل استحقاق باید از میزان پرداخت و سقف‌های قانونی احتمالی تفکیک گردد.

۸-۴- رفتار بزه‌دیده و زمان پرداخت

صرف حضور در مکان خلوت یا قرار گرفتن در موقعیت پرخطر، به‌تنهایی دلیل محرومیت از جبران نیست. تنها رفتار مؤثری که بر اساس معیار قانونی و با احراز رابطه سببیت در ایجاد یا افزایش خسارت نقش داشته باشد، می‌تواند در حدود مقرر بررسی شود. در خسارات شدید و فوری نیز می‌توان سازوکار پرداخت موقت را با شروط روشن، نظارت و تسویه نهایی پیش بینی کرد.

۸-۵- ارزیابی خسارت و حق رجوع

قانون باید شیوه محاسبه خسارت، زمان ارزیابی، نحوه لحاظ پرداخت‌های قبلی و منع جبران مضاعف را مشخص کند. همچنین، مسؤولیت مرتکب باید در حدود مقرر باقی بماند و حق رجوع دولت، در صورت پذیرش، بر مبنای نص قانونی و با رعایت حقوق باقی‌مانده بزه‌دیده تنظیم شود.

۹- ارزیابی انتقادی نظریه

۹-۱- نبود تقصیر دولت

ایراد اصلی آن است که دولت مرتکب جرم نیست و ممکن است هیچ رفتار زیان‌بار قابل انتسابی نداشته باشد. پاسخ مقاله این نیست که دولت مسؤول مدنی هر جرم است؛ بلکه امکان بررسی تعهد عمومی مستقلی است که تنها در صورت وجود مبنای هنجاری و تصریح قانونی قابل تحقق خواهد بود.

۹-۲- تحمیل هزینه بر عموم

پرداخت از بودجه عمومی هزینه را بر شهروندان توزیع می‌کند و این امر نیازمند توجیه است. عمومی بودن منابع به‌تنهایی مجوز مصرف آنها نیست. از سوی دیگر، در برخی خسارات شدید ممکن است باقی ماندن تمام زیان بر عهده بزه‌دیده نیز از حیث عدالت توزیعی قابل دفاع نباشد. تعیین دامنه، اولویت‌ها و منابع مالی، راه مواجهه با این تعارض است.

۹-۳- تضعیف مسؤولیت مرتکب و محدودیت بودجه

نظام جبران باید به‌گونه‌ای طراحی شود که پرداخت عمومی موجب سقوط خودکار مسؤولیت مرتکب نشود. همچنین، محدودیت منابع عمومی ضرورت تعیین قلمرو، شرایط استحقاق و سازوکار شفاف را تقویت می‌کند؛ اما نباید به اختیار نامحدود اداری برای رد درخواست‌ها تبدیل شود.

۹-۴- دشواری اثبات و وجود راه‌های دیگر جبران

معیارهای روشن اثبات، ارزیابی خسارت و اعتراض به تصمیم‌ها برای جلوگیری از پرداخت نادرست ضروری‌اند. در عین حال، وجود حق قضایی با امکان واقعی وصول آن یکسان نیست. نظام پیشنهادی باید نسبت به خسارت باقی‌مانده و در حدودی که قانون تعیین می‌کند، عمل کند.

۹-۵- جمع‌بندی نقدها

ایرادها نشان می‌دهند که تعهد مستقل دولت بدیهی یا نامحدود نیست؛ اما این ایرادها نیز امکان شناسایی وظیفه‌ای محدود و قانون‌مند را ضرورتا نفی نمی‌کنند. نظریه زمانی قابل دفاع‌تر است که مبنای هنجاری، قلمرو، معیارهای استحقاق، منابع مالی و نظارت را روشن کند.

۱۰- الگوی نهادی و تقنینی

۱۰-۱- شناسایی قانونی و مرجع رسیدگی

قانون باید موضوع، اشخاص مشمول، خسارات قابل جبران، شرایط استحقاق، روش محاسبه و آثار پرداخت را مشخص کند. بررسی اولیه می‌تواند به مرجع تخصصی سپرده شود، مشروط بر آنکه تصمیم‌ها مستدل و امکان اعتراض قضایی مؤثر فراهم باشد.

۱۰-۲- رابطه رسیدگی جبرانی و کیفری

رسیدگی جبرانی باید با رسیدگی کیفری هماهنگ باشد، اما در مواردی که محکومیت کیفری علیه شخص معین ممکن نیست، قانون‌گذار باید امکان احراز مستقل واقعه و خسارت را بررسی کند. این استقلال نباید به نادیده گرفتن احکام قطعی یا تعارض ناموجه تصمیم‌ها بینجامد.

۱۰-۳- منابع مالی و پرداخت فوری

منابع تأمین مالی، شیوه تخصیص و گزارش‌دهی باید روشن باشد. در موارد فوری و خسارات شدید، امکان پرداخت موقت با معیارهای قانونی و نظارت کافی قابل بررسی است. محدودیت بودجه باید در طراحی نظام لحاظ شود، اما تصمیم گیری درباره استحقاق باید تابع ضوابط قانونی باشد.

۱۰-۴- رجوع، نظارت و ارزیابی

قانون باید رابطه پرداخت دولتی با مسؤولیت مرتکب و حق رجوع را تعیین کند. همچنین، گزارش‌های دوره‌ای درباره تعداد درخواست‌ها، مدت رسیدگی، مبالغ پرداختی و وصولی‌ها می‌تواند برای ارزیابی پایداری مالی و اصلاح نظام مفید باشد. ادعاهای مربوط به آثار رفتاری و اجتماعی باید بر داده‌های تجربی استوار باشند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نتیجه تحلیل این است که میان سه گزاره باید تمایز گذاشت: نخست، جبران‌نشدن خسارت بزه‌دیده یک مسأله واقعی و قابل اعتنا در سیاست جنایی است؛ دوم، فقه امامیه و حقوق ایران ظرفیت‌هایی برای توجیه حمایت و پرداخت عمومی در موارد معین دارند؛ سوم، از این دو گزاره به‌تنهایی، حق عام و بالفعل قابل مطالبه علیه دولت نتیجه نمی‌شود .قاعده لاضرر، قاعده الحاکم ولی الممتنع و عبارت من له الغنم فعلیه الغرم هر یک محدودیت دلالی دارند؛ همچنین رأی وحدت رویه ۷۹۰ فقط در قلمرو پرداخت دیه صدمه عمدی مادون قتل با مرتکب ناشناس قابل استناد مستقیم است. از این‌رو، نتیجه قابل دفاع مقاله، پیشنهاد قانون‌گذاری برای تعهدی محدود و تعریف‌شده است، نه ادعای وجود چنین تعهدی به‌صورت عام در حقوق جاری.

- **پیشنهادهای تقنینی**

پیشنهادهای تقنینی مقاله عبارت‌اند از:

۱. تعیین صریح ماهیت نظام به‌عنوان حمایت جبرانی قانونی، نه مسؤولیت مدنی عام دولت؛

۲. تعریف جرائم و خسارات مشمول و اولویت دادن به آسیب های شدید بدنی و وابستگان متوفی؛

۳. تعیین شرایط اثبات واقعه و رابطه سببیت، با امکان رسیدگی مستقل در صورت ناشناس‌ماندن مرتکب؛

۴. پیش‌بینی سقف پرداخت، معیار ارزیابی و مهلت درخواست؛

۵. تعیین مرجع تخصصی مستقل یا سازوکار رسیدگی مستدل و قابل اعتراض قضایی؛

۶. تصریح به کسر مبالغ دریافتی از منابع دیگر و منع جبران مضاعف؛

۷. تعیین حق رجوع دولت به مسؤول اصلی فقط در حدود نص؛

۸. پیش‌بینی منبع مالی شفاف، گزارش‌دهی عمومی و ارزیابی دوره‌ای هزینه و اثربخشی.

- **محدودیت‌ها و مسیر پژوهش آینده**

این پژوهش عمدتا هنجاری و حقوقی است. تکمیل آن مستلزم بررسی تفصیلی‌تر آراء قضایی، دیدگاه‌های فقهی، رویه اجرایی و تجربه نظام‌های جبران دولتی در کشورهای دیگر است.

تعیین آثار مالی و رفتاری نیز به داده‌های تجربی نیاز دارد .بدون چنین داده‌هایی، نباید درباره هزینه نهایی نظام یا تأثیر قطعی آن بر رفتار مرتکبان ادعاهای قطعی مطرح کرد.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش مقاله حاضر، ملاحظات اخلاقی از جمله امانت در ارجاع‌دهی رعایت شده است.

تعارض منافع: در مقاله حاضر تضاد منافعی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش پژوهش، به‌صورت مشترک توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمامی افرادی که در نگارش و بهبود کیفیت مقاله نقش داشتند، تشکر و قدردانی می‌شود.

تأمین اعتبار پژوهش: پژوهش حاضر بدون تأمین مالی انجام شده است.

منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

– حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۵). «از جبران خسارت بزه‌دیده توسط بزهکار تا جبران خسارت توسط دولت». *حقوق اسلامی*، ۳(۹).

– حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۸). *جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی*. چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

– حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۰). «جبران دولتی خسارت بزه دیده و سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران؛ از هست‌ها و نیست‌ها تا بایدها و نبایدها». *مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۱(۱): ۱۸۳-۱۶۵.

– شیخ انصاری، مرتضی (بی‌تا). فرائد الاصول (رسائل). جلد دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

– علوی قزوینی، سیدعلی و منصوریان‌زاده، سید ذبیح‌الله (۱۳۹۳). «قاعده "من له الغنم فعلیه الغرم"». *پژوهشنامه اندیشه‌های حقوقی*، ۱(۴): ۹۱-۷۵.

– محقق داماد، سیدمصطفی (بی‌تا). *قواعد فقه (بخش مدنی)*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

– نقیبی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۳). «بررسی قاعده قضایی "الحاکم ولی الممتنع" و کاربرد آن در حقوق خانواده». *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۱۹(۶۶): ۱۹۰-۱۶۹.

ب. قوانین و مقررات و اسناد حقوقی

– قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸). اصل ۱۷۱.

– قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲). با اصلاحات بعدی، مواد ۲۵۵ تا ۲۶۰.

– قانون مسؤولیت مدنی (۱۳۳۹). ماده ۱۱.

– قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲). مواد ۴۳۵، ۴۷۰ تا ۴۷۵ و ۴۸۷.

ج. رأی قضایی

– هیئت عمومی دیوان عالی کشور (۱۳۹۹/۴/۱۰). *رأی وحدت رویه شماره ۷۹۰ درباره پرداخت دیه از بیت‌المال در موارد شناسایی‌نشدن مرتکب صدمه عمدی مادون قتل*. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، نامه شماره ۱۱۴۴۵/۱۵۲/۱۱۰ مورخ ۱۳۹۹/۴/۳۰.

د. منابع انگلیسی

- Miers, D (2014). "Offender and State Compensation for Victims of Crime: Two Decades of Development and Change". *International Review of Victimology*, 20(1): 145–168. https://doi.org/10.1177/0269758013508683

- United Nations General Assembly (1985). *Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power* (Resolution 40/34, November 29, 1985). https://digitallibrary.un.org/record/107889